

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

اصغر بیات^۱، محمدرضا اقارب پرست^۲، علیرضا گلشنی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶.۱۲.۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷.۰۸.۲۹

چکیده

منطقه کردستان عراق به دلیل موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیک، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق خاورمیانه شناخته می‌شود. این منطقه پس از صدام (۲۰۰۳) و تشکیل حکومت خودمختار، آستان حوادث و رخدادهایی بوده که بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر داشته است. این پژوهش تحولات کردستان عراق را به دو دلیل مورد توجه قرار داده است: نخست به دلیل حضور و فعالیت دولت‌های منطقه‌ای و فرمانتقه‌ای در کردستان عراق پس از صدام و دوم، تقویت ناسیونالیسم کردی در مناطق کردنشین ایران. پیامد این رویداد، گسترش خواسته‌های قومی کردهای ایران از دولت مرکزی و احتمال واگرایی از حکومت مرکزی با هدایت بیگانگان است. از این رو، این پژوهش با روش آینده پژوهی در پی پاسخگویی به این پرسش است که تحولات اخیر کردستان عراق چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد گذاشت؟ بر اساس فرضیه تحقیق، تحولات کردستان عراق؛ به‌ویژه حضور قدرت‌های منطقه‌ای در آن ناحیه و هم‌مرزی با ایران و نیز حضور نیروهای معارض کردی، می‌تواند بسترهای مناسبی را برای اقدام علیه امنیت ملی ایران فراهم آورد. در نهایت، چهار سناریو برای بررسی آینده این موضوع در خاورمیانه ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: امنیت ملی، کردستان عراق، قدرت‌های منطقه‌ای، قدرت‌های فرمانتقه‌ای، قومیت، ایران

۱. دانشجوی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا، شهرضا، ایران

۲. (نویسنده مسؤول)، استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا، شهرضا، ایران

(aghareb@yahoo.com)

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا، شهرضا، ایران

مقدمه

کردستان عراق در منطقه‌ای در شمال عراق واقع شده که با سه کشور ایران، ترکیه و سوریه هم‌مرز است و این کشورها در مناطق مرزی خود با اقلیم کردستان دارای اقلیت کردنشین قابل توجهی هستند که به لحاظ قومی و نژادی، تأثیرپذیری زیادی از یکدیگر دارند. با توجه به همسایگی کردهای ایران و عراق و تأثیرپذیری آنها از یکدیگر، بی‌شک استقلال احتمالی اقلیم کردستان عراق، تأثیر زیادی بر امنیت مناطق کردنشین ایران خواهد گذاشت. کردستان عراق افزون بر پیشرفت‌های زیاد در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و علمی، با حمایت از سیاست‌ها و اقدامات آمریکا در عراق (از جمله حمایت از آمریکا در جنگ با عراق در سال ۲۰۰۳) و همچنین، ایجاد رابطه با رژیم صهیونیستی، تأثیر بیش‌تری بر کشورهای دارای مردم کردنشین داشته است. از طرف دیگر، رژیم صهیونیستی با حضور در اقلیم کردستان، ضمن استفاده از منابع نفت و گاز، از استقلال آن حمایت کرده تا ضمن ایجاد کشوری زیر سلطه خود، پایگاهی در کنار ایران داشته باشد که این موضوع می‌تواند در تحولات منطقه و امنیت ملی ایران تأثیر زیادی داشته باشد. از نزدیک به پانزده سال پیش تاکنون، عوامل اسرائیلی و آمریکایی فعالانه روی خط ناامن سازی اوضاع داخلی کشورهای همسایه عراق؛ به‌ویژه ایران متمرکز شده و به تحریک قومیت‌ها در ایران می‌پردازند.

این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش است که این تحولات؛ به‌ویژه استقلال‌طلبی کردستان عراق، چه تهدیدهایی را متوجه امنیت کشورمان کرده است؟ در پاسخ به این سؤال، این فرضیه به آزمون گذاشته می‌شود که به دلیل قرابت فرهنگی، هویتی و نژادی کردهای ایران و عراق، حمایت رقیبان منطقه‌ای ایران از گروهک‌های ضد انقلاب، تحولات کردستان عراق و استقلال‌طلبی آنها موجب تقویت همگرایی کردها با جریان‌های قوم‌گرای منطقه، افزایش واگرایی و بی‌تفاوتی نسبت به نظام ج.ا.ا خواهد شد که این وضعیت تهدیدی جدی علیه امنیت ملی ج.ا.ا را ترسیم می‌نماید. در این پژوهش، از روش

آینده پژوهی استفاده شده و در نتیجه گیری به چهار سناریوی پیش روی منطقه در خصوص وضعیت تشکیل دولت کردی اشاره می گردد.

۱. مبانی نظری تحقیق

برای بررسی موضوع، دو مکتب کپنهاگ و نظریه هارتشورن به عنوان چارچوب نظری برای این پژوهش در نظر گرفته شده که به تعریف و بررسی این دو نظریه در خصوص موضوع تحقیق پرداخته می شود:

۱-۱. **مکتب کپنهاگ:** این مکتب به مثابه مؤلفه‌ای چندبعدی - اقتصادی، نظامی، اجتماعی و... به امنیت می پردازد. پیدایش اقلیم کردستان هم تهدیدات نظامی، هم اقتصادی و هم اجتماعی را متوجه ایران کرده است. با فروپاشی نظام دوقطبی و ظهور تحولات جدید در ساختار نظام بین الملل؛ به خصوص پدیده‌های غیرنظامی نظیر توسعه اقتصادی، تغییرات زیست- محیطی، مهاجرت و رشد بی سابقه جمعیت، بیماری‌های جدیدی نظیر ایدز، تروریسم، خشونت‌های قومی و نژادی و نقش آفرینی گروه‌های قومی، نقدهایی جدی بر نگاه سنتی به امنیت وارد شد.

باری بوزان و ویور^۱ دو متفکر اصلی این مکتب هستند. این دو، جامع ترین تحلیل علمی را در باب مفهوم امنیت ارائه دادند. از نظر بوزان، دولت‌ها در دوران جدید تنها مرجع امنیت نیستند؛ از این رو، وی نخستین نقدهای جدی بر روی رهیافت‌های امنیتی موجود را از اواخر دهه ۱۹۸۰ مطرح کرد که بر اساس آن، بقای دولت و بازیگران دولتی، دیگر تنها بر اساس مؤلفه‌های نظامی مورد تهدید قرار نمی گیرد؛ بلکه باید سایر حوزه‌های موضوعی، سیاسی، اقتصادی، زیست - محیطی و اجتماعی را نیز بدان افزود.

1. Barry Buzan & Viver

مسأله قومیت‌گرد و تهدیدزایی آن در این قالب، قابل بررسی است که هم بر امنیت ایران و هم کل منطقه تاثیر می‌گذارد. در واقع، تهدید امنیتی عراق در قالب اقلیم کردستانی که در پی برگزاری همه‌پرسی به دنبال استقلال از دولت مرکزی عراق است، می‌تواند ایران، ترکیه و سوریه را نیز تهدید کند و این موضوع منحصر به دولت عراق نیست. از سوی دیگر، ایران خود دارای یک اقلیت کرد است که حدود ۱۱ درصد جمعیتش را تشکیل می‌دهد. این اقلیت می‌تواند تحت شرایطی بسان یک نیروی گریز از مرکز و در جهت واگرایی عمل کند. از این رو، نظریه هارتشورن نیز مناسب این بُعد مسأله است.

۱-۲. نظریه هارتشورن: یکی از نظریه‌های مرتبط و پایه در ژئوپلتیک، نظریه علت وجودی و نیروهای مرکزگرا و مرکزگریز هارتشورن در ساختار کشور است که در سال ۱۹۵۰ ارائه شده است. وی زمینه‌ها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تشدید نیروهای مرکزگریز و مرکزگرا در کشور را به این شرح تبیین کرده است:

الف- نیروهای مرکزگریز: از نظر ریچارد هارتشورن، مهم‌ترین عوامل و زمینه‌هایی که باعث نیروهای مرکزگریز در کشور- منطقه می‌شوند، عبارتند از:

- عوامل طبیعی و موانع جغرافیایی، یکی از عوامل ایجاد نیروهای مرکزگریز است که در گذشته اهمیت بیشتری داشته است. به‌طور کلی، موانع طبیعی باعث کاهش ارتباط، ایجاد فاصله و تمایزات فضایی می‌شوند. فاصله به خودی خود به‌عنوان یک عامل مرکزگریز عمل می‌کند.

- فضاهای خالی از سکنه باعث جدایی آن نواحی و ساکنان آن از نواحی مرکزی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که یک مرز ذهنی بین دو منطقه ایجاد شده و هر دو منطقه به یکدیگر به چشم تهدید نگاه می‌کنند و در نتیجه، سعی در حفظ این فاصله‌ها می‌شود (ویسی، ۱۳۹۴: ۵).

- شاید سخت‌ترین موانع، جدایی منطقه قومی از طریق سکنه بومی از سایر مناطق است؛ به ویژه جایی که روابط دوستانه‌ای با قوم‌های پیرامونی ندارند، این مسأله به‌صورت عکس

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران/ ۱۱۱

نیز عمل می‌کند. اگر منطقه قومی یک کشور با مناطق قومی کشورهای همجوار اشتراکات زیادی نداشته باشند، در نتیجه، زمینه برای جدایی‌طلبی بین قومیت آن کشور با کشورهای همجوار فراهم خواهد شد.

اگر بخش‌هایی از یک کشور ارتباط نزدیکی با بعضی نواحی کشورهای همسایه داشته باشد، ممکن است مشکلاتی جدی برای آن کشور پیش بیاید. این مورد در مناطقی روی می‌دهد که تغییرات مرزی روی داده و مرز جدید باعث شده است که بخشی از ناحیه متجانس یک کشور جدا و به کشور همسایه واگذار شود و یا اینکه یک قومیت از نظر سرزمینی در چند کشور در نزدیک هم پخش شده باشند (مجتهد زاده، ۱۳۹۰: ۲۳۵).

بسیاری از حکومت‌ها دارای تنوع زبانی، نژادی و قومی هستند که این موضوع باعث اختلافات ناحیه‌ای می‌شود و این اختلافات با توجه به نوع و ماهیت رفتار حکومت‌ها تأثیرات مختلفی بر سطح آموزش، استانداردهای زندگی و به‌ویژه فلسفه سیاسی آنها دارد. اختلافات ناحیه‌ای در رفتارها و اندیشه‌های اجتماعی با محوریت قومیت بسیار مهم‌تر است. هارتشورن معتقد است اگر این تفاوت‌ها با بی‌عدالتی سیاسی و اقتصادی همراه شود، نیروی گریز از مرکز به بالاترین سطح خود می‌رسد و حس تبعیض را از جنبه ذهنی به عینی تبدیل می‌کند (همان: ۱۶۵).

ب- نیروهای مرکزگرا: در بحث قبلی به نیروهای واگرا و مشکلاتی که ممکن است در یک حکومت ایجاد کند توجه شد. هارتشورن این پرسش را مطرح می‌کند که آیا می‌توان بر این مشکلات غلبه کرد؟ آیا نیروهایی وجود دارند که بر مشکلات فوق فائق آمده و تمایلاتی را ایجاد کنند که نواحی را به سمت داخل سوق دهند؟ هارتشورن معتقد است که اساس نیروهای مرکزگرا باید برخی مفاهیم یا ایده‌هایی باشند که بیانگر وجود حکومت و مشارکت نواحی مختلف آن حکومت برای تشکیل یک واحد کل باشد. حکومت باید دارای یک علت وجودی یا دلیلی برای وجود داشتن داشته باشد (Hartshorne, 1950: 111).

با توجه به اشتراک قومیت کرد بین ایران و برخی کشورهای پیرامونی و طرح مسأله اقلیم کردستان عراق و گرایش به استقلال، مسأله قومیت از حالت عادی و سیاسی به مسأله‌ای امنیتی؛ به‌ویژه برای ایران تبدیل شده است. مسأله قومیت کرد، ضریب مسأله امنیت بین ایران و سه کشور ترکیه، عراق و سوریه را بالا می‌برد؛ به‌گونه‌ای که هر سه خواهان حفظ تمامیت ارضی یکدیگر هستند. گرایش به گریز از مرکزی این قومیت، وابستگی متقابل امنیتی این کشورها را بالا برده است؛ به‌گونه‌ای که طرح استقلال کردستان عراق بر امنیت سه کشور دیگر تأثیر می‌گذارد.

۲. تحولات اقلیم کردستان عراق و استقلال طلبی

تحولات این منطقه؛ به‌ویژه پس از صدام و روند همه‌پرسی اخیر، مجموعه‌ای از دغدغه‌های امنیتی را برای کشورهای همسایه عراق که دارای جمعیت کردنشین هستند، پدید آورده و این ابهام را ایجاد کرده است که استقلال کردها چه شرایط امنیتی در سطح داخلی و منطقه‌ای را برای این کشورها ایجاد می‌کند. «مسأله کُرد» امروزه نقش پررنگ‌تری نسبت به گذشته در سیاست خارجی کشورهای غرب آسیا و بازیگران فرامنطقه‌ای پیدا کرده است. کشورهای دارای جمعیت کردنشین، استقلال اقلیم کردستان عراق را عاملی برای تداوم خشونت‌ها در منطقه می‌دانند که می‌تواند بحران را به کشورهای آنها نیز تسری دهد. از سوی دیگر، برخی بازیگران فرامنطقه‌ای نیز از این استقلال حمایت می‌کنند.

در سطح منطقه‌ای، رژیم صهیونیستی در چارچوب سیاست محورهای پیرامونی بن گوریون به‌دنبال ایجاد بحران در منطقه است. سیاست فرقه‌گرایی اسرائیل در این زمینه تاریخ دیرینه‌ای دارد: حمایت از استقلال کردها؛ یعنی ایجاد یک دولت حامی در میان مرزهای کشورهای حامی مقاومت است و درواقع، شبیه‌سازی حزب‌الله لبنان در کنار مرزهای جمهوری اسلامی ایران که در این مسیر اسرائیل، دولت آمریکا را نیز به حمایت از

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران/ ۱۱۳

استقلال کردها متقاعد کرده است. رژیم عربستان سعودی نیز دیگر حامی منطقه‌ای استقلال کردها بوده و در این مسیر حمایت‌هایی داشته است که به تشدید اختلافات بین بغداد و اقلیم کردستان منجر شده است. در سطح فرامنطقه‌ای، آمریکا حامی مردم استقلال کردهاست. دولت ایالات متحده در بین دشمنی با ایران و دوستی با ترکیه، بر عراق یکپارچه با سیستم فدرالی که در آن کردها در مناطق خود مستقل باشند، تأکید کرده است (حاجی یوسفی، ۱۳۸۷: ۵۲).

استقلال کردستان عراق پیامدهای امنیتی متفاوتی در سطح منطقه‌ای و داخلی خواهد داشت و آینده‌ای مبهم را برای منطقه غرب آسیا رقم خواهد زد. اگر تاکنون عنصر مذهب به‌عنوان عامل خشونت‌ها و گسترش گروه‌های تروریستی مطرح بود، اکنون با دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، قومیت نیز این ظرفیت را پیدا می‌کند.

با توجه به مباحث آینده‌پژوهی و تحلیل روندهای استقلال‌طلبی کردستان عراق، همه‌پرسی صورت گرفته در این منطقه و آسیب‌شناسی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران سناریوهای این پژوهش بر مبنای چهار سناریوی ذیل قابل بحث و بررسی است:

- سناریوهای ممکن؛

- سناریوهای باورکردنی؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- سناریوهای محتمل؛

- سناریوهای مرجح و مطلوب. پرتال جامع علوم انسانی

اگرچه برخی از این سناریوها ممکن است برداشت‌هایی ذهنی باشند؛ اما در محیط واقعی کدهایی وجود دارد که توجه به آنها امر بیهوده‌ای نخواهد بود. در ادامه، به روش‌های سناریونویسی؛ به‌ویژه گام‌های روش GNB و تطابق موضوع تحولات کردستان عراق با این روش اشاره می‌شود:

۳. روش‌های سناریونویسی و سناریوهای قابل تصور در باره آینده تحولات امنیتی کردستان

۱- GNB: توسط پیتر شوارتز ارائه شده و تأکیدش بر عدم قطعیت و اهمیت است.
۲- مکتب فرانسوی: توسط گوده ارائه شده و تأکیدش بر تأثیرپذیرترین‌هاست. در این روش، پیشران‌های تأثیرگذار بررسی می‌شوند و این خود در بررسی سایر پیشران‌ها تأثیرگذار است.

هفت گام روش GNB

گام اول: شناسایی موضوع‌ها و تصمیمات اساسی (تخمین آینده تحولات کردستان عراق و اثرگذاری آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران)؛

گام دوم: فهرست کردن عوامل و نیروهای کلیدی موجود در خصوص موضوع مربوطه (در خصوص تحولات کردستان عراق عوامل زیر مطرح است):

حضور نیروهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در کردستان عراق

قربان‌های فرهنگی، قومی، نژادی و ... کردهای ایران، عراق، ترکیه و سوریه

سیاست‌های امنیتی ترکیه طی سال‌های آینده

آینده وضعیت سوریه

گرایش کردهای منطقه به استقلال طلبی و ایجاد کردستان بزرگ

تقویت حاکمیت عراق و حل اختلافات با اقلیم در بازه زمانی پساداعش

گام سوم: فهرست کردن نیروهای پیشران شکل‌دهنده به نیروهای کلیدی گام دوم.

مجموعه‌ای از روندها و نیروهای کلان و پیشران وجود دارند که عوامل کلیدی فهرست شده در گام دوم را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهند. عواملی همچون نیروهای پیشران

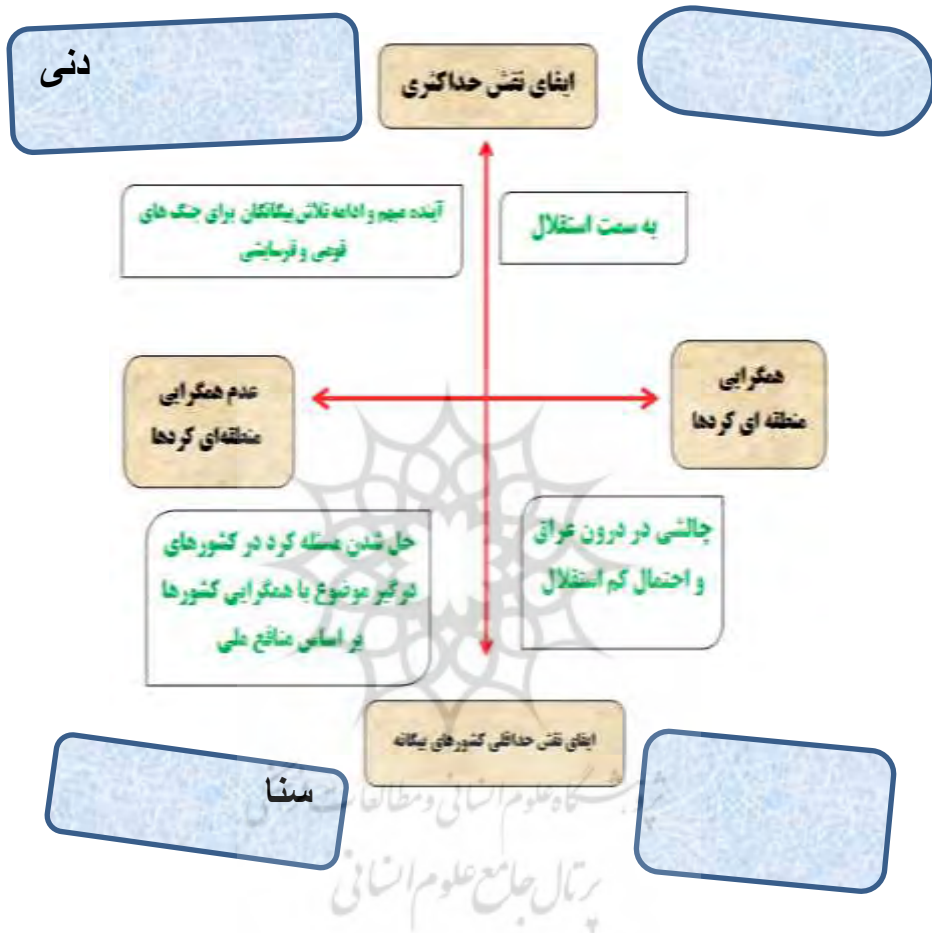
اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، زیست - محیطی و فناورانه؛

سیاسی-فرهنگی Political-cultural	اقتصادی Economic	زیست-محیطی Environment	تکنولوژیک Technologic	اجتماعی Social
میزان انتشار کتب و نشریات کردی	وضعیت معیشتی در کردستان عراق	بحران ریزگردها	رشد استفاده از تکنولوژی در کردستان عراق	حرکت نخبگان کردی به سمت استقلال و مشارکت در هرم قدرت مرکزی
حضور هدفمند قدرتهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای	ظرفیت مالی و ذخایر نفت در اقلیم بخصوص کرکوک	خشک شدن دریاچه ارومیه و موضع‌گیری کردها و اقوام دیگر	بهره‌گیری از قضای مجازی	همگرایی کردهای منطقه با دشمنان ایران
روند دموکراسی یا استبداد بارزانی‌ها	میزان تجارت خارجی	کنترل آب رودهای مرزی و سدسازی‌ها	تبلیغ نمادهای کردی در فضای مجازی	میزان واگرایی کردها در کشورهای خود
رسمیت یافتن زبان و ادبیات کردی	نقش بازارچه‌های مرزی		رشد IT	همگرایی با سایر اقوام در قالب سناریوی دشمنان
روابط خارجی با اسرائیل و غرب	قلاچاق در مرزها و کوله بران		کانال‌های ماهواره‌ای کردی	گسترش اختیارات در قانون اساسی عراق

گام چهارم: رسیدن به دو پیشران مهم از میان تمامی پیشران‌ها با عدم قطعیت و اهمیت بالاتر، هرچقدر غیرقابل پیش بینی باشد، عدم قطعیت بالاتری دارد و مطلوب‌تر ما برای انتخاب می‌شود؛

پیشران‌ها	عدم قطعیت	اهمیت
حضور و نقش کشورهای بیگانه و دشمن ایران در کردستان عراق	حضور دشمنان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در شمال عراق و اجرای سناریوی ایجاد کردستان بزرگ، در صورت مدیریت کشورهای منطقه قطعیت پایینی دارد و عدم قطعیت بالاتر است.	حضور این کشورها که هر کدام بر اساس منافع ملی خودشان است، واگرایی کردها را مدیریت می‌کند و تمامیت ارضی کشورهای درگیر با مسأله کرد را به چالش می‌کشد
همگرایی منطقه‌ای کردها	اگر به این قوم سخت گرفته شود، با هم همگرا می‌شوند؛ مثل قضیه آنفال، دستگیری اوچالان و... که واگرایی و جدایی آنها از همدیگر عدم قطعیت بالایی دارد و بسته به سیاست‌های منطقه‌ای تغییر می‌کند؛ مثل رفراندوم اخیر و همگرایی منطقه‌ای که باعث کاهش نقش عوامل واگرا شد.	اگر این قوم در چهار کشور هم‌مرز با یکدیگر متحد و همگرا شوند، احتمال تشکیل کردستان بزرگ زیاد شده و امنیت ملی ما و این کشورها به چالش کشیده خواهد شد.

گام پنجم: صلیب سناریو و پاسخ دادن به «اگر» های متعدد است.



گام ششم: منطق دهی به سناریوها: با استفاده از ادبیات داستانی پیشرانها را به هم ربط می دهیم. در این گام سناریوها دارای دو بخش هستند:

If: اگر...

Then: سپس ...

گام هفتم: «تونل باز»: در این گام رفتارها و اسناد مربوط به موضوع بررسی، اخبار جمع آوری و گفته می‌شود کدام سناریو بیش تر تقویت می‌شود و احتمال اتفاق وجود دارد. در واقع، ما در این گام درصد تحقق سناریوها را ارائه می‌دهیم. در این گام، سناریوها را به تونل باز برده، به آنها و میزان تحققشان وزن می‌دهیم (بر اساس مؤلفه‌های بررسی شده [تمدن و دین مشترک] که در ادامه به آنها اشاره می‌شود، سناریوی وحدت ملی بر اساس منافع ملی برای کشورهای درگیر موضوع کردها [ایران، ترکیه، عراق و سوریه] در صورت مدیریت منطقه‌ای و تأکید بر حفظ تمامیت ارضی میزان تحقق بیش‌تری داشته و مطلوب‌ترین سناریو است).

بر اساس روش مذکور و مشخص شدن دو پیشران مهم و اثرگذار از میان همه پیشران‌ها و عوامل موجود، چهار سناریو در خصوص آینده منطقه و وضعیت اقلیم کردستان عراق طراحی شده که به شرح ذیل است:

۱- تبدیل شدن مسأله اقلیم کردستان به موضوعی برای جنگ‌های قومی بین کشوری و درون کشوری در منطقه (سناریوی باور کردنی)

در این سناریو روندهایی بررسی خواهد شد که دال بر شکل‌گیری این سناریو در آینده خواهد بود. از جمله این روندها، برنامه‌هایی است که از سوی استراتژیست‌های غربی قبلا طرح ریزی شده است. روند قومی کردستان از نظر این سناریو، مشابه جنگ فرسایشی با محوریت مذهب توسط داعش است که از یک کشور به کشورهای اطراف سرایت کرد.

به نظر می‌رسد در صورت مقاومت کشورهای دارای جمعیت کرد، عامل قومیت جایگزین مذهب شده و موج جدیدی از جنگ‌ها در غرب آسیا آغاز شود. بیداری اسلامی با محوریت مذهب به صورت دومینو آغاز شد و با انحراف از مسیر اصلی خود، منطقه غرب آسیا را درگیر جنگ‌هایی به صورت نیابتی کرد. حال مسأله اقلیم کردستان با

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / 119

محوریت قومیت چنین ظرفیتی دارد تا سوریه، عراق، ترکیه و ایران را وارد این کارزار کند. حمایت حامیان داعش؛ به خصوص رژیم صهیونیستی و عربستان از این جدایی، گویای این ظرفیت برای خشونت طلبی است. در واقع، بحران کردستان عراق ایدئولوژی لازم برای جنگ‌های جدید را که ایدئولوژی قومی دارند، فراهم می‌کند. مدل چنین جنگ‌هایی در خشونت‌های بوسنی و هرزگوین به خوبی مشاهده شد که در آن، قومیت‌های گوناگون درگیر جنگ علیه یکدیگر و پاکسازی قومی شدند (Kaldor, 1999: 23).

مسأله کردها در واقع مسأله قومیت را به اولویت چالش برانگیز غرب آسیا تبدیل و بهانه را برای مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای در این ناحیه فراهم خواهد کرد (Seufert, 2015: 6). قبلاً گفته شد که کشورهای اسرائیل، عربستان، امارات و ایالات متحده از این روند حمایت کرده و قول همکاری‌های لازم و حتی حضور نظامی پررنگ‌تر در کردستان عراق را داده‌اند. از این رو، به نظر می‌رسد، همانند مذهب که چندسالی است ابزاری برای خشونت در غرب آسیا شده، مسأله استقلال کردستان عراق و حمایت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، تنش‌های قومی را جایگزین تنش‌های مذهبی خواهد کرد.

از سوی دیگر، این گسل قومی با گسل مذهبی (شیعی - سنی) حول مسأله کردها قابل انطباق است. اغلب کردها در این کشورها گرایش به اهل تسنن دارند و این وضعیت برای کشورهایی مثل ایران، آینده وخیم‌تری را ترسیم می‌کند. مسأله اقلیم کردستان بدون کسب استقلال حتی می‌تواند محرکی برای سایر قومیت‌ها در منطقه برای گرایش به استقلال باشد. بلوچ‌ها و ترک‌ها در ایران وضعیت برجسته‌تری دارند. از این رو، یک پیامد منطقه‌ای دیگر مسأله کرد، ایجاد موج ملی‌گرایی است (Sumer, 2012: 7). نتیجه این وضعیت احتمالاً تداوم خشونت‌ها در آینده این منطقه خواهد بود.

این سناریو از آن رو تقویت می‌شود که آمریکایی‌ها چنین طرحی را برای خاورمیانه دارند. اشخاصی مانند برژینسکی در کتاب «انتخاب: رهبری یا سلطه جهانی» در سال ۲۰۰۴ و رایس، وزیر خارجه دوران بوش پسر در سال ۲۰۰۶ تاکید کرده‌اند که ایالات متحده باید بر مؤلفه‌های بحران‌زای غرب آسیا تکیه کند. در واقع، هدف از این استراتژی بهره‌برداری از شکاف‌های قومی و مذهبی برای راه‌اندازی جنگ‌های نیابتی است. رالف پیترز^۱ از ژنرال‌های بازنشسته آمریکا، در نشریه نیروهای مسلح در سال ۲۰۰۶ بر این رویکرد در مقاله‌ای با عنوان «مرزهای خونین: طرحی برای بازترسیم مرزها در خاورمیانه جدید» تاکید کرد که در آن مسأله قومیت کرد برجسته شده است. پیترز به قومیت، به‌عنوان مؤلفه‌ای برای تولید بحران در خاورمیانه اشاره کرده است. وی در سال ۲۰۰۶ به ترسیم مرزها به شیوه‌ای جدید بر اساس شکاف‌های قومی-مذهبی در این منطقه پرداخته و نقشه مورد نظر خود را در نشریه نیروهای نظامی آمریکا چاپ کرده است.

نقشه ۱: مرزبندی‌های آینده خاورمیانه



Source: <http://brilliantmaps.com/new-middle-east/>

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران/ ۱۲۱

بر اساس این سناریو، حتی پس از پایان چالش داعش در غرب آسیا، مسأله کرد و در رأس آن تحولات اقلیم کردستان عراق، زمینه را برای گسترش خشونت و تداوم آن در غرب آسیا فراهم خواهد کرد. این رویداد درحالی ظهور می‌کند که ما شاهد افول تحرکات داعش به‌ویژه در عراق هستیم. این سناریو برای ایران امری نامرجح و نامطلوب است؛ زیرا برای ایران هزینه امنیتی - نظامی خواهد داشت که تجربه آن در بحران داعش جنبه نیابتی به خود گرفت. راهبرد جمهوری اسلامی در ارتباط با این سناریو، تقویت انسجام درونی کشور و به‌ویژه وابستگی مناطق کردنشین به کل کشور؛ به‌ویژه از نظر امنیتی و اقتصادی است. درواقع، بخشی از این راهبرد را باید در شعار «سرمایه‌داری محافظه‌کاری می‌آورد» خلاصه کرد که به هر میزان وضعیت رفاهی و اقتصادی کردهای ایران بهبود یابد، گرایش کمتری به تحولات اقلیم کردستان عراق نشان خواهند داد.

در واقع، در این سناریو عنوان شد که با جایگزینی عامل تنش‌های قومی به‌جای تنش‌های مذهبی با قول حمایت رژیم صهیونیستی، عربستان، امارات و آمریکا و حتی حضور نظامی در اقلیم و بهره‌گیری از مدل خشونت‌های بوسنی و هرزگوین در منطقه غرب آسیا با انطباق گسل قومی با گسل مذهبی (شیعی - سنی) به دنبال ایجاد چالش برای جمهوری اسلامی ایران هستند. بر این اساس، اگر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در اقلیم کردستان عراق حضور داشته باشند و همگرایی کردها با یکدیگر ضعیف و کم باشد، با جایگزینی اشاره شده، جنگ‌های فرسایشی ادامه خواهد یافت.

۲- باقی ماندن مسأله اقلیم کردستان عراق به عنوان چالش در درون عراق (سناریوی

محتمل)

درواقع، تاریخ سیاسی عراق اثبات کرده است هر زمان که دولت مرکزی رو به ضعف نهاده است، کردها بیش‌تر خواهان استقلال خود شده‌اند. در دوران فشارهای خارجی بر رژیم

صدام، پس از سرنگونی این دیکتاتور و پس از ظهور داعش و اشغال بخش‌هایی از عراق، کردها بیش‌تر گرایش به استقلال پیدا کردند و رهایی از این وضع را بهانه‌ای برای هدف خود دیدند. بر اساس شاخص دموکراسی در جهان، در غرب آسیا عراق همچنان جزو کشورهای رتبه پایین است.

آنچه شرایط را بدتر کرد و بهانه کردها برای جدایی از دولت مرکزی شد، اقدامات تروریستی در این کشور و ظهور داعش در این وضعیت بود. در واقع، پیشمرگ‌های کرد در برابر حملات داعش به مناطق کردنشین عراق مقاومت کردند و بارزانی این‌طور بیان داشت که با وضعیت کنونی عراق و داعش، کردستان باید به شرایط فدرالی خود ادامه دهد.

عنصر دیگری که این سناریو را که «مسأله کردستان به‌عنوان یک چالش داخلی در سطح عراق باقی خواهد ماند» تأیید می‌کند، وضعیت صلح در این کشور است. بر مبنای اطلاعات آماری این شاخص، صلح در عراق در وضعیت شکننده‌ای قرار دارد. کشورهای منطقه خاورمیانه در بین ۱۶۳ کشور در این شاخص از نظر صلح وضعیت نامطلوبی دارند و عراق بدترین وضعیت را دارد.

اکنون که بحران داعش تقریباً در عراق پایان یافته، فضا برای قدرتمندی دولت مرکزی فراهم شده است. برگزاری رفراندوم نیز نتیجه‌ای جز شکست سیاسی نداشت و کردها از خواسته خود عدول کردند. بنابراین، محتمل‌ترین سناریو رخ داده است و حال عراق باید در چارچوب تمامیت ارضی خود این بحران را حل کند.

اقتدارگرایی مؤلفه اصلی حکومت داری در عراق بوده است. در این کشور نهادهای سیاسی حاصل اجماع ملت در یک فرایند طولانی شکل نگرفته است؛ بلکه حاصل سیاست‌های استعماری یا اعمال دیکتاتوری علیه ملت است. بنابراین، دولت در این کشور با بحران هویت ملی مواجه است و جامعه عراق بر مبنای ناسیونالیسم تباری؛ یعنی برتری یک قوم یا قبیله در ساختار سیاسی روبه‌روست و ناسیونالیسم مدنی هیچ جایگاهی ندارد.

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۱۲۳

درواقع، بحران هویت ملی از آنجا در این کشور وجود دارد که در یک دستگاه هویت‌های مختلف به‌گونه‌ای مصنوعی رشد می‌کنند که زمینه شکل‌گیری درگیری‌های حزبی، قومی، مذهبی و منطقه‌ای می‌شوند (Reily, 2008: 7).

آنچه این سناریو را تأیید می‌کند و قوت می‌بخشد، مخالفت‌های ترکیه و ایران برای استقلال کردستان عراق است. این کشورها درحالی که روابط خوبی با اقلیم کردستان عراق داشته‌اند، همواره با طرح استقلال کردستان و حتی برگزاری referendum مخالفت کرده و خواهان حل این مسأله در چارچوب حاکمیت سرزمینی عراق بوده‌اند. بر اساس این سناریو با پایان یافتن ناامنی‌های کنونی عراق و افزایش قدرت دولت و ثبات سیاسی، عطش استقلال خواهی در منطقه اقلیم کردستان فروخواهد نشست و مسأله کردها صرفاً به‌شکل چالشی در درون عراق باقی خواهد ماند. کشورهای دیگر دارای قومیت کرد نیز حامی و خواهان حفظ تمامیت ارضی عراق هستند. استقلال اقلیم کردستان عراق مطلوب نبوده و آنها اجازه رشد این روند را نخواهند داد. راهبرد جمهوری اسلامی ایران در این صورت ایجاد و تعمیق لابیگری در عراق و در اقلیم کردستان این کشور است تا از این طریق گروه‌های رقیب در استقلال خواهی مواضع متفاوتی داشته باشند و این رقابت قدرت در درون، گرایش به استقلال خواهی را در این منطقه تضعیف کند؛ اقدام متقابلی که از سوی آمریکا، اروپا و اسرائیل شاهد آن هستیم. افزایش سطح مبادلات بین اقلیم کردستان عراق و ایران نیز می‌تواند گرایش به استقلال را تعدیل کند.

این سناریو به‌دنبال آن است که این موضوع را بررسی نماید که اگر همگرایی بین کردها در منطقه وجود داشته باشد ولیکن نقش و تأثیرگذاری قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای ضعیف باشد، مسأله کردها و استقلال آنان به شکل چالشی در خود عراق باقی خواهد ماند. از جمله پیشران‌هایی که بر این سناریو تأثیرگذارند، مساوی بودن ضعف حکومت مرکزی با استقلال طلبی کردهاست. درواقع، تاریخ اثبات کرده است که هرگاه

حکومت مرکزی در عراق ضعیف شده، ادعای استقلال طلبی کردها بیش‌تر شده است. همچنین، در استقلال طلبی سال‌های اخیر کردها، بارها و بارها عدم حمایت بین‌المللی و منطقه‌ای کافی و جدی دیده شده است. همچنین، اقتدارگرایی حکومت عراق، مخالفت‌های ترکیه و ایران با جدایی طلبی کردها، از جمله پیشران‌هایی هستند که بر تقویت این سناریو می‌افزایند.

۳- استقلال اقلیم کردستان عراق به‌عنوان نامطلوب‌ترین سناریو (سناریوی ممکن)

شواهد و قرائن موجود، گویای آن است که در آینده متغیرهایی از قبیل حمایت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای؛ بخصوص اسرائیل، از استقلال کردستان در کنار مرزهای غربی ایران و کردهایی که قرابت‌های فرهنگی، مذهبی و هویتی با آن سوی مرزها دارند، بر روند واگرایی کردهای ایرانی و مرکزیت‌گریزی آنها تأثیرات خود را داشته باشد؛ زیرا این کشورها سال‌هاست با تمام امکانات خود در این منطقه در فکر به‌چالش کشیدن امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران هستند. بدترین و نامطلوب‌ترین سناریوی ممکن برای کشورهای دارای جمعیت کرد، استقلال کردستان عراق است؛ زیرا هم کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از این سناریو حمایت می‌کنند و هم وضعیت نابسامان عراق به‌گونه‌ای است که احتمال این استقلال را بیش‌تر می‌کند. ماثو پاکارد^۱ معتقد است که تصمیم اوپاما به خروج نیروهای آمریکا از عراق، سناریوی استقلال کردستان را قوت بخشید. از نظر وی، این عقب نشینی عراق را وارد دوره‌ای از جنگ‌های فرقه‌گرایانه می‌کرد که تنش کردستان با دولت مرکزی یک بعد آن خواهد بود (Packard, 2011: 3). نتیجه این وضعیت، خودمختاری بیش‌تر کردستان و در نهایت جدایی از عراق خواهد بود.

1. Matthew Packard

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران / ۱۲۵

در تأیید این سناریو، شش دلیل وجود دارد که کردستان کاندیدای جدایی از عراق و تشکیل دولت مستقل است:

نخست اینکه این منطقه دارای حکومت خودمختاری است که نه در داخل عراق؛ بلکه در سطح منطقه نیز نقش آفرینی می‌کند.

• دوم اینکه این منطقه دارای مرزهای مشخص متشکل از سه استان کنار هم است. سوم، کردستان عراق دارای جمعیت پایدار بیش از سه میلیون نفر است. برخی از مقامات کردستان عراق معتقدند وقتی اسرائیل با جمعیت محدود توان تشکیل دارد، کردستان نیز این ظرفیت را دارد.

چهارم، کردستان عراق توان ورود به عرصه روابط خارجی با کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای را دارد.

پنجم، وضعیت ضعیف دولت و حاکمیت در عراق است.

ششم، نقض تاریخی حقوق بشر نسبت به کردها توسط رژیم‌های عرب حاکم بر

عراق است (Ajir, 2016: 5-9).

باید اضافه کرد که کردها بر مبنای تجربه گذشته ترس از آینده را دارند. سخنان بارزانی دیدگاه لیم و همکارش را تأیید می‌کند. بارزانی ابراز داشته که همکاری و همزیستی مسالمت آمیز که هدف اصلی کردستان و عراق بود، در طول چند مرحله تاریخی گذشته محقق نشد؛ از این رو، ملت کردستان به راه خود ادامه خواهند داد و سرنوشتشان را تعیین خواهند کرد.

بر اساس این سناریو، کردستان خواهان «حاکمیت مشترک»^۱ با عراق نیست؛ بلکه آنچه اهمیت دارد «حاکمیت به دست آورده شده»^۲ است. برگزاری فراندوم اخیر در

1. shared sovereignty

2. Earned sovereignty

کردستان عراق در راستای انتقال از حاکمیت مشترک به حاکمیت به دست آمده است. در تایید وقوع این سناریو، ظرفیت‌های دیگری نیز وجود دارد. نخبگان سیاسی حاکم بر اقلیم کردستان، هم‌انگیزه استقلال را داشته و هم‌علاق ناسیونالیستی شدیدی برای این تحول دارند. علائق راهبردی برخی رقبای منطقه‌ای ایران نیز محرک این حرکت است (Salih, 2006: 9).

در حوزه نظامی، این اقلیم نیروی نظامی و اطلاعاتی حدود ۱۱۰ هزار نفره دارد که توان تامین امنیت آن را دارند و تاکنون عملکرد موفقی در برابر دفع تهدیدات نظامی داشته‌اند که آخرین نمونه آن مقابله با داعش بود. در حوزه اقتصادی، این منطقه دارای منابع غنی نفت، گاز و انواع فلزات گران‌قیمت است. بیش‌ترین محصول گاز طبیعی عراق در قلمرو این اقلیم قرار دارد. همچنین، در سال‌های پس از صدام، این اقلیم از قدرت رسانه‌ای قابل توجهی برخوردار شده است. در این اقلیم حدود ۹۰۰ رسانه وجود دارد (اخوان کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۳).

آمریکا نیز اگرچه در ظاهر امر مخالف همه‌پرسی عراق بود؛ اما طرح‌هایی برای آینده عراق دارد. به‌جز طرح پیترز، طرح جو بایدن نیز بر استقلال کردستان عراق تاکید می‌کند. بایدن، معاون رئیس‌جمهور در زمان باراک اوباما به بارزانی گفته بود که دولت کردی را در دوره حیات خود خواهیم دید. طرح بایدن برای تقسیم عراق به روشنی بر تقسیم عراق به سه کشور کردی، سنی و شیعی استوار است. بنابراین، مخالفت‌های کنونی واشنگتن بیش‌تر تاکتیکی و برای آماده کردن زمینه‌های موفقیت یک دولت کرد از نظر تصمیم‌سازان کاخ سفید است (Fisher, 2015:3).

تنها اختلافی که میان کردهای حامی همه‌پرسی از یک‌سو و دولتمردان آمریکا از سوی دیگر وجود دارد، آن است که حامیان همه‌پرسی در موعد اعلام شده، قصد دارند ابتدا اعلام استقلال کنند و بعد دنبال فراهم کردن زمینه‌های موفقیت چنین دولتی برونند(از

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران/ ۱۲۷

جمله شرایط جغرافیایی، راه دریایی و نیز به رسمیت شناخته شدن در سطح بین‌الملل؛ اما آمریکایی‌ها بر این باورند که همین راه را باید به شکل معکوس طی کرد؛ یعنی ابتدا شرایط و فضای لازم را فراهم کرد و بعد به دنبال اعلام استقلال رفت (Munoz, 2017:6).

در پی شکست پروژه داعش و تشکیل دولت به اصطلاح اسلامی که نتیجه کوچک آن تجزیه عراق و نیز سوریه می‌بود، اکنون حامیان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای استقلال کردستان عراق می‌خواهند این هدف را از راه‌های سیاسی پی بگیرند و همه‌پرسی یکی از بهترین راه‌ها در این زمینه بود (Karami, 2017:3). بنابراین، احتمال استقلال کردستان عراق با حمایت کشورهای حامی تروریسم در منطقه و مخالفت ایران، عراق و سوریه به‌عنوان محور مقاومت و ترکیه به‌عنوان قدرت منطقه‌ای در این برهه از زمان می‌تواند هر آن، ابزاری برای ایجاد و افزایش تنش در منطقه محسوب گردد.

یکی از اهداف این سناریو، حضور دائمی غرب در کنار ایران و کشورهای محور مقاومت خواهد بود. سناریوی استقلال کردستان عراق را که باید در واقع سناریوی کردستان بزرگ نامید، کلید زدن یک حرکت قومی است که می‌تواند به‌صورت دومینوار قومیت‌های دیگر را به حرکت وادارد و روی ترک‌ها و بلوچ‌ها نیز تأثیر بگذارد. سناریوی کردستان بخشی از یک پازل بزرگ‌تر برای منطقه است. کردها می‌توانند اهرمی در دست اسرائیل برای کنترل ایران، عراق، ترکیه و سوریه باشند (frideman, 2017:3). لذا موضوع بسیار راهبردی و مهمی است که دنبال شده و کلید خورده است.

راهبرد ایران در صورت مواجهه با چنین سناریویی و در واقع، اقداماتی که باید قبل از وقوع این سناریو دنبال کند، ایجاد همبستگی‌های درون کشوری بین ملت ایران به صورت یک کل است. این راهبرد که ما آن را «جامعه بزرگ- حکومت بزرگ» می‌نامیم، به معنای گسترش و به‌عبارتی، سلطه حکومت بر همه بخش‌های ایران نیست؛ بلکه منظور این است که زمینه حضور قومیت‌های گوناگون در عرصه قدرت فراهم شود؛ به‌گونه‌ای که این

سیاست، به حذف مرزهای قومیتی در ایران(ولو اگر حتی به صورت احساسی هم وجود داشته باشد) منجر شود. در صورت اتخاذ چنین سیاستی، این گرایش دومینوار حتی در صورت استقلال کردستان عراق، حداقل آسیب‌های کمتری بر تمامیت ارضی ایران وارد خواهد کرد. البته، ایران باید راهبردهای دو سناریوی قبلی را در این سناریو نیز مورد توجه خود قرار دهد.

از جمله پیشران‌هایی که در تقویت این سناریو دخیل هستند، می‌توان به مواردی از قبیل حمایت رژیم صهیونیستی، عربستان و میل به ایجاد کشور کردستان در کنار مرزهای ایران(بهره‌گیری از الگوی ایجاد حزب الله لبنان در کنار اسرائیل)، وضعیت نابسامان سیاسی، امنیتی و ضعف دولت عراق در حفظ تمامیت ارضی، عقب نشینی آمریکا از عراق، سابقه خودمختاری در سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳م، جمعیت و نیروی نظامی کافی و داشتن نخبه‌هایی در عرصه سیاست داخلی و خارجی احتمال تشکیل کشور کردستان متصور است. درواقع، اگر در این موضوع نقش گسترده، اثرگذار و فراگیر قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای وجود داشته باشد و کردهای منطقه با یکدیگر همگرا شوند، می‌توان این تصور را در آینده داشت که با وجود مؤلفه‌های داخلی و خارجی استقلال کردستان شکل بگیرد که با توجه به قرابت‌های فرهنگی، نژادی و زبانی کردهای ایران با کردهای عراق، بدترین و نامطلوب‌ترین سناریو برای ایران خواهد بود.

۴- ایجاد وحدت ملی با تاکید بر منافع جمهوری اسلامی ایران (مطلوب‌ترین سناریو)
تلاش برای ایجاد وحدت ملی، مطلوب‌ترین سناریو برای ایران و حتی ترکیه و عراق در ارتباط با کردها در این کشور است. تاکید بر وحدت ملی، هم بعد مذهبی و هم بعد ملی‌گرایی دارد. آیات متعددی از قرآن کریم بر این اصل اساسی تاکید می‌کنند. قرآن کریم همه مسلمانان را به وحدت و پرهیز از تفرقه فرامی‌خواند: «و همگی به ریسمان خدا چنگ

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران/ ۱۳۹

زنید و پراکنده نشوید...» (آل عمران/۱۰۳). «إن هذہ أمتکم أمة واحدة» در بیان اینکه وحدت از صفات امت است؛ «حبل الله» در بیان محور وحدت است و «واذکروا نعمه الله علیکم إذکنتم أعداء فألف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته إخوانا وکنتم علی شفا حفرة من النار فأنقذکم منها» در یادآوری آثار و برکات وحدت است و «خلقکم من نفس واحدة» در بیان وحدت اصل خلقت و آفرینش از نفس واحد است. همه این موارد بر اهمیت حفظ و تداوم وحدت در جامعه تاکید دارد. در ایجاد وحدت باید چهار مرحله طی کرد: نخست بر اساس مذهب و ملی‌گرایی، اصول مشترک را یافته و در مرحله دوم دایره این اصول را گسترده‌تر کنیم. مرحله سوم تعمیق همکاری‌هاست؛ به‌گونه‌ای که احساس تبعیض از بین برود. مرحله چهارم پرهیز از تمرکز بر موارد اختلاف‌افکن است (عمید زنجانی، ۱۳۹۰: ۲۳).

در ارتباط با ایران باید گفت دو حوزه تمدن ایران باستان و تمدن اسلامی برای ایجاد این وحدت مهم‌ترین مؤلفه‌های مشترک را دارد. کارکرد این مؤلفه‌های مشترک راهی برای ادغام سیاسی و اجتماعی نرم است. کردها بیش‌ترین قرابت دینی، فرهنگی و تاریخی را با ایران دارند و در واقع چنانکه گفته شده، جزو قدیم‌ترین اقوام ایرانی هستند. در حوزه تمدن ایرانی می‌توان بر اسطوره و رویدادهای تاریخ ایران باستان و شخصیت‌های مهم تمدن ایران باستان متمرکز شد و این ارزش‌ها را در جامعه برجسته کرد.

قرار گرفتن کردهای منطقه در حوزه نوروژ و جشن‌های ملی - باستانی آنها مهم هستند. دیپلماسی فرهنگی لزوماً بُعد خارجی ندارد؛ بلکه می‌تواند برای ایجاد وحدت در درون جمعیت داخلی به‌کار گرفته شود. توجه به هویت ملی با این عناصر زمینه وحدت ملی را فراهم کرده و از این طریق به امنیت ملی می‌رسیم.

در این سناریو باید به ابعاد اجتماعی (احساس تعلق خاطر مشترک و تعهد به اجتماع ملی)، ابعاد تاریخی (دانش تاریخی و تعلق به ارزش‌های تاریخی)، بعد جغرافیایی (تعلق به سرزمینی واحد)، بعد سیاسی (احساس مشارکت فعال در قدرت سیاسی، علاقه

به ملت و اعتماد به نظام سیاسی)، بعد دینی (دل‌بستگی به شعائر دینی و دوری از اختلافات)، بعد فرهنگی (آیین‌ها و سنت‌های ملی-مذهبی، احترام به رسوم محلی و آنها را متعلق به ملتی واحد دانستن) و بعد زبانی و ادبی (شعر، موسیقی و ...) توجه کرد. بعد دیگر این وحدت ملی، ریشه در تمدن اسلامی و مؤلفه‌های مشترک دینی دارد. در این الگو، همگرایی برجسته است. در واقع، ترکیه و عراق با توجه به اینکه در حوزه تمدن اسلامی قرار دارند، هم می‌توانند با این الگو زمینه همگرایی در داخل خود و هم بین خود و ایران را فراهم کنند. در الگوی همگرایی در این سناریو، سه کشور موظف به رعایت حقوق قومیت‌ها و حفظ و پرورش ممیزهای قومی هستند. هدف همانند سازی به‌گونه‌ای که قومیت‌ها در اکثریت حل شوند، نیست. الگوی همگرایی اگرچه فرایندی طولانی مدت است؛ اما همبستگی، وحدت ملی و رسیدن به منافع ملی را در بلندمدت تحکیم می‌کند.

در ارتباط با کردستان ایران برای ایجاد وحدت ملی باید به این روندها در کنار مؤلفه‌های بالا توجه ویژه‌ای داشت:

توجه به زیرساختارهای اقتصادی و توسعه اقتصادی در مناطق کردنشین. با توجه به مراودات تجاری ایران با کردستان عراق و ترکیه، ایجاد مناطق آزاد تجاری در مناطق کردنشین می‌تواند رونق اقتصادی را دربرداشته باشد. ظرفیت توریسم، ایجاد بازارچه‌های مرزی و حمایت از کوله بران، یک گام مثبت در این مسیر است.

گسترش مشارکت سیاسی فعال در گرفتن مناصب سیاسی هم در سطح محلی و هم در سطح ملی با توجه به اصل شایسته سالاری و تخصص و زمینه فعالیت احزاب قومی برای رقابت در عرصه سیاسی در چارچوب قانون اساسی.

• امنیت زدایی از مناطق کردنشین و تلقی آنها به عنوان مناطقی فرهنگی. در این زمینه در سفر رهبری انقلاب به کردستان، ایشان در سخنرانی‌های خود در بین اقشار

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران/ ۱۳۱

گونگون این استان، واژه استان فرهنگی را برجسته کردند و همزمان با این سفر اجازه پخش اذان اهل تسنن از صدا و سیمای کردستان داده شد. ایشان کردستان را «سرزمین علم، ادب و هنر»، «صفا، روشندلی و وفاداری» و «دلآوری، شجاعت و مردانگی» دانستند و بر تدوین تاریخچه شهدا و علمای سرزمین کردستان که در راه وحدت و عزت این سرزمین به فیض شهادت رسیدند، تأکید کردند (بیانات رهبری، ۲۲ اردیبهشت، ۱۳۸۸).

در مجموع، سناریوی وحدت ملی که در آن هم تمدن ایرانی و هم اسلامی لحاظ شده است، با تأکید بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران است که همگرایی را در سطح داخلی تقویت می‌کند. از سوی دیگر، تأکید بر همین مؤلفه‌ها در ترکیه و عراق نیز زمینه‌ساز وحدت ملی و تثبیت امنیت ملی در این کشورهاست که در راستای منافع جمهوری اسلامی است. مقامات ایران بارها تأکید کرده‌اند که خواهان امنیت و ثبات در کشورهای منطقه هستند. از این رو، این مؤلفه‌ها زمینه همگرایی منطقه‌ای؛ به‌ویژه بین سه کشور را فراهم می‌کند و مدل و تجربه موفق در حل یک بحران منطقه‌ای خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، سعی شده تا با رویکرد امنیتی به تأثیر استقلال کردستان عراق بر امنیت جمهوری اسلامی ایران اشاره شود. ایران دارای جمعیت کرد قابل توجهی است. استقلال کردستان عراق، بی‌شک بر این جمعیت تأثیر خواهد گذاشت و احتمال ظهور جنبش‌های گریز از مرکز را افزایش خواهد داد؛ به‌ویژه اینکه ایران علاوه بر کردها دارای قومیت‌های دیگری است که به نوعی داعیه استقلال طلبی دارند.

روند تاریخی مرتبط با کردستان عراق و به‌طور کلی کردها، بیانگر آن بوده که استقلال طلبی همواره آرمان این قومیت در منطقه بوده است. حمایت خارجی نیز این روند

را تقویت کرده است و به‌نظر می‌رسد با توجه به وضع کنونی منطقه، چنین مطالبه‌ای به صورت جدی‌تر از سوی کردها دنبال شود. بنابراین، خاورمیانه و به‌ویژه ایران پس از تهدید شکاف شیعی - سنی با بحران قومیت‌ها مواجه خواهد بود. هر تحولی در منطقه از جمله استقلال احتمالی کردستان عراق، همزمان می‌تواند برای ایران هم فرصت ساز و هم دارای تهدیداتی باشد. بخش عمده‌ای از این مسأله متأثر از نحوه مواجهه دولتمردان ایران با آن است.

برگزاری فرماندوم اخیر و نتایج آن نشان داد که سناریوی استقلال اقلیم کردستان عراق به عنوان سناریوی بلندمدت، بدترین و خطرناک‌ترین چشم اندازی است که امنیت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با آن مواجه باشد. بنابراین، واکنش‌های شدیدی در برابر این رویداد از سوی کشورهای دارای مناطق کردنشین صورت پذیرفت که مجموع تلاش آنها به تعلیق همه پرسى از سوی مسعود بارزانی منجر شد.

در اینکه استقلال احتمالی کردستان عراق بر تحولات داخلی ترکیه، سوریه و ایران و از جمله مناطق کردنشین این کشورها تأثیرگذار خواهد بود و حتی خواست‌های هویت‌گرایانه بیش‌تر و گریز از مرکزی را تشدید می‌کند، شکی نیست؛ لذا این کشورها از جمله ایران همزمان باید در سیاست سنتی خود در قبال مناطق کردنشین (و سایر مناطق دارای تمایز قومی - هویتی با مرکز) به تغییرات و اصلاحاتی عملی و جدی دست بزنند. در ایران عملی شدن شعارهای رئیس‌جمهور هنگام انتخابات و پیرنگ شدن حضور نخبگان و نمایندگان اقوام و مذاهب مختلف در کابینه، پست‌های مهم تا پست‌های محلی از جمله استانداری‌ها و فرمانداری‌ها در کنار افزایش و تسریع سیاست‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در این مناطق، می‌تواند هم به نوعی نقش ضربه‌گیر در قبال تحولی همچون استقلال احتمالی کردستان عراق را ایفا کند و هم می‌تواند در فرصت ساز شدن این تحول احتمالی فضای بیش‌تری به ایران داده و منافع بیش‌تری حاصل کند.

تحولات کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران/ ۱۳۳

این استقلال برای ایران یک تیغ دولبه است؛ هم تهدید است و هم فرصت: تهدید است؛ زیرا ایران دارای جمعیت کرد قابل توجهی است که استقلال کردستان می‌تواند آنها را تحریک کند، و فرصت است؛ چون کردهای منطقه بیش‌ترین قرابت فرهنگی و هویتی را با ایران دارند. کردستان عراق جزئی از جغرافیای نوروژ و سرزمین‌های آریایی است؛ سرزمین‌هایی که به باور بیش‌تر نظریه‌پردازان منطقه‌گرایی جدید، منطقه‌ای است که ایران خواه ناخواه در مقایسه با دیگر مناطق، دارای نقش محوری‌تری در آن است و تهران مجبور است در راستای تقویت این منطقه جدید (از تاجیکستان، افغانستان و ترکمنستان گرفته تا قفقاز و مناطق کردنشین در عراق، سوریه و ترکیه) گام بردارد؛ چرا که علاوه بر قرابت‌ها و شباهت‌های گسترده‌اش از نظر هویتی، تاریخی و فرهنگی با آن؛ در آینده نیز منافع سیاسی - اقتصادی ایران، بیش‌تر با این منطقه عجین بوده و دارای قرابت است تا با دو منطقه دیگر. به عبارت دیگر، ایران در این منطقه دارای نقش محوری‌تر و هژمونی کم‌معارض‌تری است تا در دیگر مناطق. همچنین، کردستان عراق دارای پیوستگی‌های غیرقابل انکار تاریخی، فرهنگی و زبانی با ایران است و از نظر سیاسی - امنیتی هم از بدو انقلاب ایران و هنگام جنگ تا به امروز روابط گسترده و مستمری با ایران داشته است که این روابط می‌تواند همچنان ادامه پیدا کرده و تعمیق شود. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در چارچوب سناریوی وحدت‌گرایانه و تأکید بر منافع ملی، برای اینکه مرزها در حوزه مسائل قومی ایمن شود، باید با همسایگان مرادوات بهتری داشت، اقوام را در قدرت سیاسی مشارکت داد و بسترهای توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را فراهم ساخت. این وضعیت وقتی جدی‌تر می‌شود که بدانیم مرزهای ایران کمر بند قومیت‌ها و اهل تسنن است که با قومیت مشابه در آن سوی مرزها در تعامل هستند. در تمام تحرکات قومی که در خاورمیانه و حتی ایران صورت گرفته، عامل اصلی اعتراضات قومی، نارضایتی از نظام سیاسی بوده است. به بیان دیگر، بخش زیادی از برجسته شدن مؤلفه‌های هویت قومی، در

تقابلی است که با نظام سیاسی وجود دارد. از این رو، جمهوری اسلامی ایران برای کاهش چنین تهدیدی باید به نقش قومیت‌ها در نظام سیاسی و به‌ویژه مناصب سیاسی توجه ویژه‌ای داشته باشد؛ نگاهی که مبتنی بر اعتماد و نه بی‌اعتمادی باشد. در واقع، پرداختن به این عوامل از سوی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باعث می‌گردد کردهای ایرانی خود را در قالب یک کلیت واحد بدانند و با عبرت‌آموزی از جدایی‌طلبی‌هایی که در دنیا رخ داده و باعث جنگ‌های فرسایشی و خانمان سوز شده است، نگاهی وحدت‌گرایانه داشته و به این مهم دست یابند که تشکیل کردستان بزرگ، بازی با تمامیت ارضی کشورهای درگیر این موضوع بوده و تحقق آن، هزینه‌های فراوان مادی و معنوی را دربر خواهد داشت.

اگر مقوله‌های فوق مدنظر قرار نگیرد و زیرساخت‌های لازم در کردستان مورد توجه نباشد، امکان دارد تنش‌های منطقه‌ای موجبات تقویت بروز درگیری‌ها و منازعات قومی را در داخل ایران نیز فراهم نماید.

منابع

- قرآن کریم (آل عمران ، ۱۰۳).
- اخوان کاظمی، مسعود. (۱۳۹۰). «کردستان عراق؛ هارتلند ژئوپلیتیکی اسرائیل»، فصلنامه راهبرد، ش ۶۰.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم استان کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۲
- حاجی یوسفی، امیرمحمد و سلطانی نژاد. (۱۳۸۷). *سامان سیاسی در عراق جدید*، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۹۰). *مقدمه‌ای بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر مجد.
- مجتهد زاده، پیروز. (۱۳۹۰). *سیاست‌های مرزی و مرزهای بین‌المللی ایران*، ترجمه دکتر ملک محمدی، تهران: سمت.
- _____ (۱۳۹۲). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، ویراست ۲، تهران: سمت.
- ویسی، هادی. (۱۳۹۴). «بررسی توضیح‌پذیری نظریه ریچارد هارتشورن در جغرافیای سیاسی مسائل قومی ایران»، مجموعه مقالات هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران: *همدلی اقوام ایرانی؛ انسجام و اقتدار ملی*، کردستان: دانشگاه سنندج.
- Ajir, Media. (2016). "Pathway to an Independent Kurdistan", https://www.researchgate.net/publication/303751385_Pathway_to_an_Independent_Kurdistan.
- Frideman, George. (2017). "Israel's Strategic Vulnerability", <https://geopoliticalfutures.com/israels-strategic-vulnerability>.
- Fisher, Max. (2015). "Why DC loves Biden's terrible plan to divide Iraq", <https://www.vox.com/2015/8/5/9097133/iraq-biden>.
- Hartshorne, Richard. (1950). "The functional approach in political geography", *Annals of the association of American Geographers*, Vol 40, No.2, Pp. 95-130.
- Kaldor, Marry (1999). *New and Old Wars*, Stanford University Press.

- Karami, Arash .(2017). “The reason Tehran is against referendum on Iraqi Kurdistan”, Available at: <http://www.al-monitor.com/pulse/en /originals /2017/06/iran-opposition-iraqi-kurdistan-krq-independence-referendum.html>.
- Munoz, Carol .(2017). “White House: Bid for an independent Kurdish state would be ‘significantly destabilizing’”, <http://www.washingtontimes.Com/news/2017/jul/13/kurdish-referendum-vote-opposed-white-house>.
- Packard, Matthew .(2013). “Earning Independence in Iraq Kurdistan”, <https://litigation-essentials.lexisnexis.com/webcd/app>.
- Reily, David .(2008). “The Two-Level Game of Failing States: Internal and External Sources of State Failure”. <http://journals.hil.unb.ca/index.Php/jcs/article/view/11244/13417>.
- Seufert, Gunter .(2015). “The return of the Kurdish question”, German Institute for International and Security Affairs, <https://www.swp-berlin.org/en/publication/ the-return-of-the-kurdish-question>.
- Sumer, Izzettin .(2012). “The future of rising Kurdish nationalism in the modern middle east: comparative perspectives of turkey, Israel and Iran”, <https://www.soas.ac.uk/lmei/events/ssemme/file67892.pdf>.
- Salih, Khaled .(2006). “The Future of Kurdistan in Iraq”, <http:// www. upenn. edu/ pennpress/ book/ 14152.html>.

The Iraqi Kurdistan Developments and its Impact of the National Security of Islamic Republic of Iran

Asghar Bayat: Ph.D. student in political science, IAU, Shahreza Branch, Shahreza, Iran.

Mohammadreza Agharebparast¹ (corresponding author): Assistant professor, political science department, Shareza Branch, IAU, Shahreza Branch, Shahreza, Iran.

Alireza Golshani: Associate professor, political science department, Shahreza Branch, IAU, Shahreza Branch, Shahreza, Iran.

Received on: 17.3.2018

Accepted on: 20.11.2018

Abstract:

The Iraqi Kurdistan region is one of the important regions of the Middle East due its unique geopolitics. This region after the fall of Saddam (2003) and the formation of autonomous government have witnessed several events and developments which have had their impact on the security of the Islamic Republic of Iran. The present article has paid attention to Iraqi Kurdistan developments for two reasons. First due to presence and activities of regional and extra-regional powers in Iraqi Kurdistan after the fall of Saddam, second the spread and strengthening the Kurdish nationalism in Kurdish residing regions of Iran. The consequences of these events are the expansion of the ethnic demands and expectation of Iranian Kurds from the central government and the possibility of disintegration from Iranian central government with foreign backing. Therefore, the present article by futures studies method wants to answer the question as to “what are the impacts of Iraqi Kurdistan developments on security of the Islamic Republic of Iran?” The hypothesis is that the Iraqi Kurdistan developments particularly the presence of regional powers there and in areas near Iranian borders and the presence of Kurdish groups who are against Iran can provide a disfavor able ground for measures against the national security of Iran. Eventually in this regard four scenarios have been suggested for future of this issue in the Middle East.

Keywords: national security, Iraqi Kurdistan, regional powers, extra regional powers, ethnicity, Iran.

¹. aghareb@yahoo.com